

موانع کار گروهی و توسعه فردی از دیدگاه عطار در منطق الطیر



موانع کار گروهی و توسعه فردی
از دیدگاه عطار در منطق الطیر



قسمت اول- بلبل
اولین جامانده قافله مرغان، بلبل بود.
وقتی صحبت از رفتن شد بلبل با تکیه بر این نکات لب به سخن باز کرد:

- ۱ من بر همه اسرار عشق واقفم.
- ۲ تمام شب این مفاهیم را تکرار می‌کنم.
- ۳ زاری نی بواسطه سخن‌گفتن من است.
- ۴ صدای چنگ از ناله زار من است.
- ۵ گلستان‌ها از من پرخروش است.
- ۶ جوش دل عشاق از من است.
- ۷ هر کسی توان‌مندی‌های من را می‌بیند تعجب کرد

۸ اگر شرایط مهیا باشد من کارم را انجام می‌دهم و اگر شرایط خوب نباشد من هم کم‌کار می‌شود.

۹ آنچنان سرگرم کارم هستم که از خود غافل شده‌ام.

۱۰ من نمی‌توانم یا نمی‌خواهم بودن در کنار گل را رها کنم و برای رسیدن به سیمرغ همراه شما شوم.

حالا برگردیم به موانع کار گروهی:

تقریباً در هر گروه کاری می‌توان افراد بلبل‌صفت را پیدا کرد. -

افرادی که در کاری که انجام می‌دهند متبحر و توانمند هستند. -

ادعا دارند همواره مصدر امور و خدمات مختلفی بوده‌اند.

- هر جایی چیزی می‌بینند یادشان می‌آید که در شکل‌گیری‌اش نقش

داشته‌اند. - دایماً از توانمندی‌های خود دم می‌زنند و این‌که حاضرند

هر کاری برای سیستم انجام دهند البته مشروط بر آن‌که سیستم هم

شرایط را برای‌شان فراهم نماید. - این افراد به قدری از توانمندی

خود مطمئن بوده و به شرایط موجودشان می‌بالند و از آن راضی هستند

که لزومی نمی‌بینند در هیچ‌کدام از دوره‌های آموزش شغلی و غیرشغلی

شرکت نمایند.

اگر روزی خواستید گروه تشکیل بدهید حواستان به بلبل‌ها باشد. این

افراد که تا حدود زیادی دارای خصوصیات افراد خودشیفته هستند

اولین دسته‌ای هستند که از گروه خارج می‌شوند یا اگر بمانند

فعالیت چندانی نمی‌کنند. اگر خواستید آن‌ها را به کار گروهی

وادارید هم حواستان باشد که راهی ندارید مگر آن‌که به آن‌ها توضیح

دهید که با این سطح از توانمندی لایق رسیدن به مدارج بالاتر هستند

و تنها راه آن هم استفاده از استعدادشان برای کسب مهارت‌هایی در

سطح بالاتر است.

این راه را عطار از زبان هدهد به بلبل پیشنهاد می‌دهد.

ادامه دارد...